

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد دزدی های مقامات حکومت از سازمان تامین اجتماعی

صفحه ۲

میلیاردرهای یک شبه و جنگ قدرت در بالای حکومت

کاظم نیکخواه



صفحه ۷

کنون نام يك سرمايه دار بزرگ ديگر ایرانی بنام رضا ضراب سر زبانها افتاده است که داستان پولشویی باور نکردنی ۸۷ میلیارد یورویش در دنیا صدا کرده است و در ترکیه بحرانی سیاسی را دامن زده است. شهرام جزایری یکی دیگر از میلیاردرهای ایرانی نیز در رابطه با دزدی ۳۰۰۰ میلیاردی نامش

روزنامه های جمهوری اسلامی خیر دادند که بابک زنجانی دستگیر شده است. زنجانی یکی از سرمایه داران ایرانی حاشیه حکومت است که سرعت به ثروتهای عظیم چند صد میلیاردی دست یافته است و با روشن شدن چند قلم دزدیهای سران حکومت نامش سرزبانها افتاده است. از یکی دو هفته گذشته تا

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۳۸

جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۲، ۳ ژانویه ۲۰۱۴

اقتضاح اردوغان:

چرا اسلام "متمدن" نمی شود؟

مصطفی صابر

صفحه ۳

افزایش بودجه نهادهای مذهب

شهلا دانشفر

صفحه ۴

آیت اله های میلیاردی و صنعت سودآور مذهب

اصغر کریمی

صفحه ۵

از نقطه نقطه این کشتارگاه

خون میچکد!

دردنامه یک زندانی سیاسی از زندان تبریز

صفحه ۹

سهند اولین شماره نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری به سردبیری جلیل جلیلی منتشر شد.



نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

با آرزوی موفقیت برای این نشریه
(انترناسیونال)

جمهوری اسلامی و رقابت نابرابر تورم و دستمزدها

بهرز مهرآبادی



صفحه ۹

مورد احتیاج مردم را نشان می دهد. حتی گزارش مرکز آمار هم افزایش قیمت مواد غذایی یعنی اساسی ترین کالای مورد مصرف مردم را ۴۹/۹ درصد اعلام می کند. مواد دارویی و خدمات پزشکی افزایش چند برابر داشته است. اما بطور واقعی مردم نرخ تورم را نه بر اساس گزارش های جعلی حقه بازانه نهادها و مقامهای رژیم بلکه با نرخ سرسام آور اجناسی که باید بخرند، اجاره خانه، سفره های خالی خود، با

مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود نرخ تورم را ۳۵/۵ درصد اعلام کرد. این گزارش با تمام تردستی ها و بازی با اعداد چهره فجیع فقر و فلاکت روزافزون در ایران را نشان می دهد. به ارقام ارائه شده در این گزارش نمی توان اطمینان کرد. صندوق بین المللی پول در گزارش مهرماه خود تورم سال جاری در ایران را ۴۲/۵ درصد اعلام کرد و گزارش های مختلف افزایش بیش از ۵۰ درصد قیمت کالاهای اساسی

به یاری

زلزله زدگان

استان هرمزگان

بشتابید!

مقامات حکومت

دروغ میگویند

صفحه ۱۰



بیانیه حزب کمونیست کارگری درمورد دزدی های مقامات حکومت از سازمان تامین اجتماعی

این روزها مقامات و رسانه های جمهوری اسلامی بر متن نزاعها و کشاکشهای جناحی خود مجبور به يك اعتراف بزرگ و رسوا کننده ديگر از عملكرد حكومت شده اند. طبق این اعترافات میلیاردها دلار از امكانات سازمان تامین اجتماعی صرف دزدی های کلان مقامات حکومت و یا رشوه به تعداد کثیری از نمایندگان مجلس اسلامی و مقامات دولتی و سرمایه داران وابسته به آنها و یا صرف حق السکوت دادن به رسانه های مختلف اصولگرا و اصلاح طلب شده و میلیونها کارگر و بازنشسته عضو این سازمان، از ساده ترین خدمات این سازمان محروم شده اند. سازمانی که هرسال چند میلیارد دلار از جیب کارگران اخاذی میکند تا به آنها خدمات بدهد، به يك ناندانی بزرگ برای لاشخورهای حکومت اسلامی تبدیل شده است.

دارایی عظیم سازمان تامین اجتماعی از دسترنج دوازده میلیون کارگر و کارمند تحت پوشش این سازمان تامین شده است. یعنی این سازمان تماما متعلق به کارگران است و قرار بوده درآمدهای آن صرف حقوق بازنشستگی، بیمه بیکاری، خدمات درمانی، حمایت در برابر حوادث، بیماریها و بارداری، مستمری از کارافتادگی و مستمری بازمندان شود. اما بخش اعظم درآمد این سازمان صرف دزدی های میلیاردي مقامات و شرکای آنها و باج دادن به مقامات دولتی و حقوق های کلان به چند هزار مدیر و مسئول این سازمان شده و کارگران و کارمندان عضو آن از ساده ترین خدمات درمانی محروم شده اند. از جمله تعداد بیمارستان هایی که دفترچه بیمه قبول میکنند بسیار

کم است، نوبت ها بسیار طولانی است، کیفیت خدمات بسیار پایین است، این بیمارستان ها فاقد امکانات اولیه مانند تجهیزات آزمایشات و عکسبرداری ها هستند و بیماران را یا در نوبت های طولانی نگه میدارند و یا به بیمارستان های خصوصی با هزینه های بالا پاس میدهند و عملا کارگر و کارمند فقیر و زحمتکش امکان معالجه ساده ترین بیماری ها را از دست میدهد. علیرغم هزینه ای که هر ماه از حقوق ناچیز کارگران میگیرند، دفترچه های بیمه کارگران بی ارزش شده اند. بسیاری از کارگران مجبور شده اند برای استفاده از دفترچه های خود، ماهانه بخش دیگری از حقوق ناچیز خود را به "بیمه تکمیلی دی" بدهند که يك نهاد خصوصی است. درمورد بازنشستگی و بیمه بیکاری وضعیت از اینهم بدتر است. بسیاری از کارفرماها در تبانی با ارگان های مختلف حکومت از جمله سازمان تامین اجتماعی از دادن سهم بیمه کارگران خودداری میکنند و کارگران بعد از سالها کار امکان گرفتن بیمه بیکاری مستمری بازنشستگی پیدا نمیکند. بدین ترتیب سازمان تامین اجتماعی به منبع دیگری از فساد و دزدی توسط مقامات حکومت تبدیل شده و گوشه دیگری از کل فساد همه جانبه حکومت اسلامی را در معرض دید همگان قرار داده و ذره ای مشروعیت اخلاقی و سیاسی برای حکومت اسلامی و مقاماتش باقی نگذاشته است.

حزب کمونیست کارگری بعنوان نماینده کارگران و حقوق بگیران زحمتکش یعنی ۳۷ میلیون اعضای خانواده های وابسته به سازمان تامین اجتماعی، اعلام میکند که تمام

ثروتهای سازمان تامین اجتماعی متعلق به کارگران و حقوق بگیران زحمتکش است و کلیه دزدی ها و سوء استفاده های مالی توسط مقامات باید فوراً پس گرفته شده و صرف خدمات به اعضای این سازمان شود. دزدان حاکم بر این سازمان باید فوراً به محاکمه کشیده شوند و پولها و ثروتهای این سازمان در خدمت کارگران قرار گیرد.

حزب کمونیست کارگری از کارگران و بازنشستگان و اعضای خانواده هایشان در سراسر کشور میخواهد که با تمام قوا برای پس گرفتن حقوق حقه خود دست به اعتراض بزنند. دوازده میلیون نفری که به این سازمان ماهانه حق بیمه میدهند و کل ۳۷ میلیون نفری که تحت پوشش آن هستند نیروی عظیمی هستند که میتوانند با تجمعات اعتراضی، با امضای تومار، با تشکیل مجمع عمومی در کارخانه ها و به اشکال مختلف دیگر، به میدان بیابند و خواست های بحق خود را با تمام قوا مطالبه کنند. کارگران در روزهای اخیر دست به تجمع مقابل این سازمان زده و یا شروع به جمع آوری طومار کرده اند و خانه کارگری ها تلاش میکنند این اعتراضات را تحت کنترل خود قرار داده و به نیروی يك جناح رژیم تبدیل کنند. کارگران باید هوشیارانه و با طرح کلیه مطالبات بحق خود، مانع سوء استفاده دار و دسته های خانه کارگر و یا شوراهای اسلامی شوند. آنها در دوره های مختلف همگی شریک جرم همین سعید مرتضوی دزد و جنایتکار و یا سایر باندهای حکومت بوده اند و ربطی به خواست کارگران ندارند.

حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران و بازنشستگان و خانواده هایشان را فرامیخواند حول

خواست های زیر به میدان بیابند و در سراسر کشور دست به اعتراض بزنند:

۱- همه اسناد دزدی ها و سوء استفاده ها از جمله رشوه هایی که به نمایندگان مجلس و رسانه ها داده شده باید علنی شود و به اطلاع افکار عمومی برسد.

۲- کلیه رشوه ها و دزدی ها باید با ذکر علنی مبالغ آن به سازمان تامین اجتماعی برگردانده شود و در خدمت مردم قرار گیرد.

۳- باند مرتضوی، رحیمی، احمدی نژاد و سایر مقاماتی که در فساد و دزدی های تامین اجتماعی در دوره های مختلف دست داشته اند باید فوراً از این سازمان اخراج شده و مورد محاکمه قرار گیرند.

۴- حقوق های ده میلیون و چهارده میلیون تومان که به هفت هزار نفر از "نورچشمی ها" و مدیران این سازمان پرداخت میشود فوراً قطع شود.

۵- بیمه تکمیلی دی باید منحل شود و در کلیه بیمارستان ها به تمام صاحبان دفترچه های بیمه درمانی، خدمات درمانی با کیفیت مناسب ارائه شود.

۶- کلیه کارگران و حقوق بگیران زحمتکش باید مشمول بیمه درمانی و خدماتی با

استاندارد مناسب شوند. ۷- کارفرماهایی که از پرداخت سهمیه بیمه کارگران خودداری کرده اند بلافاصله مکلف به پرداخت سهمیه خود شوند و کلیه کارگران و اعضای خانواده آنها با هر میزان سابقه کار حق استفاده کامل از دفترچه های بیمه و بیمه بیکاری را داشته باشند.

علاوه بر این طب رایگان، تحصیل رایگان و بیمه بیکاری حق مردم است و باید بعنوان خواست های فوری و مهم جامعه به پرچم مبارزه کارگران و مردم تبدیل شود.

تا این حکومت هست دزدی و چپاول توسط مفتخوران و محرومیت مردم زحمتکش ادامه خواهد یافت. فساد سراپای حکومت را فراگرفته و نه تنها هیچگونه مشروعیتی برای این حکومت باقی نگذاشته است، بلکه روزبروز ابعاد بحران حکومت و دعوای درونی آنها را بیشتر میکند و آنها را در مقابل مبارزه متحد ما ضعیف تر و بی دفاع تر میکند. باید با تمام قوا بپاخاست و بساط دزدان و چپاولگران اسلامی را در هم پیچید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دیماه ۱۳۹۲
۲ ژانویه ۲۰۱۴

**تلفن تماس با حزب در
خارج از کشور**

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

رام و "دمکراتیک" و خوش خیم نخواهند شد بلکه در تلاش برای بقاء به وحشیگری بیشتر نیز دست خواهند زد.

در واقع افول اردوغان و اسلام میانه اش دارد تناقض های نهفته در پروژه اسلام دمکراتیک و پوچ بودن تلاش ها برای خوش خیم کردن اسلام را جلوی ما قرار میدهد. به میدان کشاندن اسلام بعنوان یک نیروی سیاسی و حکومتی، پروژه غرب و بورژوازی دوره ما بود. اما اسلام فقط در شکل وحشی و سرکوبگر و لاجرم ضد تمدن و ضد غربی اش میتواند جهت قلع و قمع نیروهای چپ و آزادخواه و سرکوب مبارزات طبقه کارگر در خدمت بورژوازی دوره ما قرار گیرد. تجربه اردوغان نشان میدهد که در واقع اسلام نمی تواند در قدرت باشد و حتی ادای دمکرات بودن را هم در بیاورد. دیر یا زود و با اولین معضل و بن بست آن روی وحشی، خونخوار، ضد زن، ضد مدرن، کثیف و فاسد آن بالا خواهد آمد. بعبارت دیگر اسلام بعنوان جریان سیاسی و حکومتی دمکراتیک برادر نیست. باید آنرا تماما از قدرت و امتیازات سیاسی و اجتماعی خلع کرد و از سر راه بشر برداشت. و این فقط کار چپ و انقلاب کارگری است.*



الگوهای قدیمی حکومت بورژوازی را یا کنار زده و یا زیر سوال برده (موقعیت رویه افول اسلام اردوغانی نیز محصول این واقعیت است) و در نتیجه کل نیروهای ارتجاعی محلی و منطقه ای و جهانی بورژوازی را به تکاپو برای بقاء خود یا گرفتن سهم و ایفای نقش برای شکل دادن اوضاع در حال تغییر خاورمیانه واداشته است. از شاخه و شانه کشیدن روسیه گرفته تا سهم خواهی های فرانسه و اسرائیل، از تلاش های ناسیونالیسم کرد برای ساختن کلاهی از این نمذ گرفته تا فعالیت شدن عربستان سعودی در کل منطقه و حاد شدن رقابت جریانات شیعی به رهبری جمهوری اسلامی با جریانات سلفی به رهبری عربستان سعودی در سوریه، عراق، ایران و دیگر مناطق، همه و همه نشانه ها و مصادیق این وضع جدید است. تا آنجا که به جریانات اسلامی بر میگردد اینها نه فقط

اقتضاح اردوغان: چرا اسلام "متمدن" نمی شود؟

مصطفی صابر

میتراکنند و تا سرحد مقابله نظامی پیش میروند.

نمونه دوم برخورد غرب و آمریکا با جریانات اسلامی در افغانستان بود. افغانستان میتوانست با اتکاء به نیروهای سکولار و مدرن از دنیای قبیله عشیره ای به عصر سرمایه داری وارد شود. اما غرب با حمایت از مجاهدین و پس مانده ترین نیروهای اجتماعی در افغانستان (که آنوقت و در رقابت با شوروی سوگلی های غرب بودند) و با پرور کردن جانورهای مثل ملا عمر و بن لادن و غیره (البته با کمک پاکستان و عربستان سعودی)، نه فقط افغانستان را به یک جهنم اسلامی برای مردم این کشور تبدیل کرد، بلکه حتی خود نیز در یازده سپتامبر از آتش این جهنم ایمن نماند. و البته جنایت یازده سپتامبر تازه خود بهانه ای شد تا "جنگ علیه ترور" اعلام شود. برای یک دهه جنگ تروریستها (تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب) سراسر جهان را کوبید و به محاق قرون وسطی فرو برد. داریم می بینیم علیرغم سرهم بندی کردن "جمهوری اسلامی افغانستان" نوع کوزای و اینهمه آدم کشی و نابود کردن زندگی، هنوز که هنوز است طالبان و جریانات اسلامی با غرب و آمریکا به تانگوی مرگ مشغول اند. و کیست که نداند که پشت سر طالبان و معضل غرب در افغانستان در نهایت پاکستان و عربستان سعودی (یعنی متحدین غرب) قرار دارند؟!

نمونه سوم نحوه برخورد آمریکا و غرب به جریانات اسلامی بعد از انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا، بویژه مورد مصر است. وقتی مردم مصر علیه مبارک انقلاب کردند غرب به رهبری آمریکا کوشید در "سمت درست تاریخ" بایستد. یعنی مبارک را مرخص کردند و برای

اقتضاح مالی اخیر در ترکیه، همراه با جنگ قدرت درونی حزب حاکم و بقول اردوغان "توطئه قدرتهای بین المللی"، چیزی بیش از میخی دیگر بر تابوت جریان اسلامی در آن کشور است. افول بیش از پیش اردوغان، که از تابستان امسال و با جنبش میدان تقسیم کلید خورد، داغ کهنه تر و مهمتری را برای غرب تازه میکند: چرا اسلام "دمکراتیک" و "متمدن" نمی شود؟! در سی چهل سال گذشته این آرزو به دل غرب و مشخصا آمریکا ماند که بتواند یک متحد پروپا قرص و قابل اتکاء در بین حکام و جریانات اسلامی (لااقل در منطقه خاورمیانه) بیابد. هر اتحادی هم که شده موقتی و شکننده بوده، دیر یا زود به دشمنی عیان و زدوخورد بین طرفین منجر شده و یا میتواند بشود. بگذارید چند نمونه را اجمالا یادآوری کنیم تا دوباره به اهمیت افول اسلام اردوغانی برسیم.

تانگوی مرگ بین غرب و جریانات اسلامی با خمینی و در مقابله با انقلاب ۵۷ ایران شروع شد. خمینی اولین کاندید اسلام خوش خیم بود. شیخ عهد عتیق را از حجره های نجف به قلب تمدن غرب در پاریس بردند و ژورنالیست های محترم صدها مصاحبه با او انجام دادند. نه فقط او را در ماه کردند و به مردم ایران فروختند، بلکه افکار عمومی و حتی روشنفکران غرب را شیفته "رهبر روحانی انقلاب" کردند. البته واضح بود که خمینی دیگر نمی تواند مثل شاه "سگ زنجیری آمریکا" باشد، ولی قرار هم نبود "مرگ بر آمریکا" و "جهاد علیه شیطان بزرگ" را به شعار بقای خود تبدیل کند. اما دیدیم که چگونه سرکوب و مهار انقلاب ۵۷ به عروج خمینی و جمهوری اسلامی منجر شد که تا همین امروز با آمریکا کلنچار میروند، گاه مذاکره و همکاری میکنند و گاه علیه هم بمب

مردم!

اگر میخواهید از فقر و محرومیت و حسرت خلاص شوید،

اگر میخواهید بساط جنایت و اعدام برای همیشه برچیده شود،

اگر میخواهید تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی علیه زنان،

این سنت توحش اسلامی و عهد عتیقی از صحنه جامعه برچیده شود، اگر از زندان و سرکوب و خفقان به جان آمده اید،

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید

حزبی که انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و

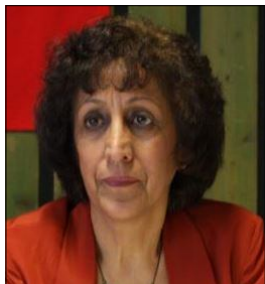
برپایی

جامعه ای آزاد، شاد و مرفه و انسانی فلسفه وجودیش را

میسازد

افزایش بودجه نهادهای مذهب

شهلا دانشفر



بودجه سنگربندی رژیم اسلامی در برابر جامعه ای است که خواستهایی دارد و دارد هر روز با خواستهایش جلو می آید.

مذهب باید از دولت جدا شود. هیچ بودجه ای نباید صرف مسجد و منبر و حوزه های جهل و خرافه شود. این ها بودجه هایی است که از نان شب مردم زده میشود و صرف این جنایتکاران مفتخور و آیت الله های میلیاردر میشود. با سرنگونی جمهوری اسلامی تمام این پولها باید قطع شود و ثروتهایی که این نهادها اندوخته اند به خزانه عمومی بازگردانده شود.

پاسخ کارگران به طرح بودجه دولت روحانی اعتراضی سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها و خواسته های فوری آنها همچون خواست درمان رایگان، تحصیل رایگان، بیمه بیکاری و داشتن یک زندگی انسانی است.*

انقباضی سخن میگویند و در برابر پایه ای ترین خواست های مردم و زندگی و معیشتشان شانه بالا می اندازند.

نگاه انقباضی به طرح بودجه از سوی جانیان اسلامی، یعنی منقبض کردن بیشتر دستمزد کارگران و محدودتر کردن بودجه خدمات عمومی. یعنی تدارک فقر و فلاکت بیشتر بر مردم. حدادی کردن ماشین سرکوب رژیم و چاق و چله کردن دم و دستگاه مذهبی.

بودجه دولت روحانی بودجه "ضد شورش" رژیم اسلامی است. بودجه دولت روحانی

شورای نگهبان و مجلس اسلامی و دستگاه عریض دولتی اش و ۹۰۰۰ میلیارد تومان بر بودجه نیروی انتظامی اضافه شده است و اینها همه لیست اولویت های دولت را تشکیل میدهد.

اینها همه هزینه هایی است که اقلام هر ساله بودجه سالانه رژیم اسلامی در طول حاکمیت سی و چند ساله اش و برای بر پا نگهداشتن صنعت مذهب و در کنار آن بالا کشیدن پولهایی میلیاردی از ثروتهای عمومی را تشکیل داده است. اما روشن است که یک دلیل افزایش بودجه نیروهای سرکوب فضای خشم و نفرت از حکومت اسلامی است. به عبارت روشنتر بودجه سال ۹۳ دولت روحانی، بودجه "ضد شورش" جمهوری اسلامی است. بودجه افزایش هزینه های سرکوب و کل دم و دستگاه اداری و قضایی و مذهبی این حکومت در برابر مردمی است که جانشان به لبشان رسیده است و خواست فوری شان سرنگونی این حکومت است. تازه همه این سخاوت ها نیز با نگاهی "انقباضی" به بودجه صورت گرفته است!

به این ترتیب در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکنند، در شرایطی که آمارهای رسمی خودشان از هشت و نیم میلیون بیکار سخن میگویند، در شرایطی که میلیونها کودک به جای مدرسه و تحصیل به کودک کار و خیابان تبدیل شده اند و فروش کلیه به راهی برای امرار معاش مردم تبدیل شده است و در شرایطی که دزدی های میلیاردی سران حکومت به خیری هر روزه تبدیل شده است، جنایتکاران اسلامی در برابر خواسته های مردم بیشرمانه از خالی بودن خزانه دولت و بودجه

به تکمیل و تجهیز مصلی ها)، ۲۵ میلیارد تومان به طرح زیارت (موضوع ماده ۱۲ قانون برنامه پنجم توسعه)، ۲۰ میلیارد تومان مربوط به تکمیل طرح آستان مقدس حضرت امام (ره) مدنظر قرار گرفته است.

به این ترتیب، در مجموع دولت در لایحه بودجه سال ۹۳ که به مجلس ارائه شده، ۱۱۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برای کمک به اعتبارات هزینه ای این ۵۱ مؤسسه و همچنین مبلغ ۷۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان نیز جهت کمک به اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای این نهادها اختصاص داده است.

این درحالیست که خبرها حکایت از ساخت ۹۲ هزار مسجد تا ۲۰۰ مصلی حکایت میکنند. از جمله در سال گذشته ۵۰ میلیارد تومان برای ساخت مصلی در کشور اختصاص داده شده بود. امسال نیز قرار است مبلغی بالغ بر ۴۰۰ میلیون تومان صرف هزینه های مسجد سازی شود.

طبعاً پشت اختصاص اینهمه بودجه بحث ها خوابیده است. فریادشان از "دین گریزی" مردم بالا گرفته است. کل موجودیتشان زیر سؤال رفته است. باید برایش هزینه کنند.

البته همه اینها ارقامی است که رسماً در قالب طرحهای بودجه دولت آمده است. هزینه های بسیار کلانتری از اینها هر روز صرف نهادهای خرافه و گله های آخوند رژیم اسلامی میشود. این درحالیست که در کنار هزینه های میلیاردی نهادهای مذهبی، در بودجه سال ۹۳ دولت ۵۰ درصد بر بودجه ارتش، ۳۰ درصد بر بودجه سپاه پاسداران، ۳۰ درصد بر بودجه

جمهوری اسلامی بخش زیادی از ثروتهای عمومی را صرف نهادهای مذهبی میکند و با سرنگونی این حکومت باید کل این پولها را که از سفره مردم گرفته میشود، کاملاً قطع کرد. در بخش ردیف های متفرقه هزینه های دولت در بودجه سال ۹۳ روحانی نام ۵۱ سازمان و مؤسسه به چشم می خورد که طبق برنامه های قوه مجریه مبلغی در حدود ۱۱۹ میلیارد تومان به عنوان کمک هزینه اعتبارات هزینه ای و ۷۰ میلیارد تومان نیز در قالب اعتبارات دارایی های تملک سرمایه ای اختصاص داده شده است. در میان این نهادهای مذهبی و دستگاههای مافیایی خرافه پراکنی رژیم اسلامی نام مؤسساتی چون سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، دایره المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد حکمت اسلامی صدرا و بنیاد بین المللی غدیر دیده می شوند.

در کنار همه این هزینه ها نیز هفت میلیارد و ۲۰۰ میلیون نیز برای کمک به مؤسسات فرهنگی و دینی استان ها، یک میلیارد برای کمک به مرکز تربیت مدارس دینی مناطق محروم، یک میلیارد برای کمک به هیات رزمندگان اسلام و همچنین مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان نیز برای کمک به اقلیت های دینی در نظر گرفته شده است.

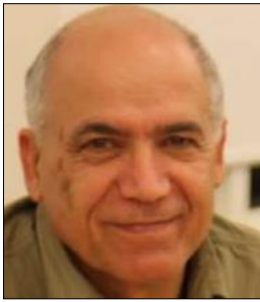
بعلاوه اینسکه در بخش اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای نیز که شامل طرح های عمرانی و گسترش برخی از اماکن هست، نیز مبلغ ۲۵ میلیارد تومان به شورای سیاست گذاری ائمه جمعه (کمک

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



آیت اله های میلیارد و صنعت سودآور مذهب

اصغر کریمی

مذهب يك سلسله اعتقادات به جن و پری و شیطان و خر دجال و صحرائ کربلا نیست، يك صنعت سودآور و يك تجارت قدرتمند است که با کمپانی های بزرگ بین المللی رقابت میکنند و سودهای هنگفت به جیب عده ای میرسانند. دستگاہ انقیاد مردم است. صنعت خرافه پراکنی، ارباب مردم و تسلیم مردم به نظام طبقاتی و استثمارگرانہ حاکم است. بیخود نیست که اگر بوبکشند کسی از مذهب روی برگردانده، او را تکفیر میکنند و اگر دستشان برسد میسوزانند.

اصغر کریمی
سال ۸۸

آیت اله های میلیارد و صنعت سودآور مذهب

رو شدن آمار دزدی تعدادی از شاه مهره های حکومت اسلام و درشت ترین آیات عظام و مومن ترین آیت اله ها و پاکدامن ترین امام جمعه های حکومت، حقایق زیادی را در مورد جمهوری اسلامی، سرمایه داری و بویژه صنعت مذهب و معنی حکومت مذهبی به همگان نشان داد.

با يك فقره دزدی ۶۰۰ میلیون دلاری آیت اله محمد یزدی، با يك مورد رشوه ۷۰۰ میلیون دلاری توسط آیت اله مصباح و ناصر مکارم شیرازی که گوشه کوچکی از دزدیهای آنها را تشکیل میدهد، با دزدیهای خانواده رفسنجانی، که میگویند قابل اندازه گیری نیست و فقط هزینه اصطبل اسبهای دختر ایشان معادل

درآمد ماهانه ۱۵ خانوادہ کارگری میشود، با ۱۱ میلیارد دلار معوقه بانکهها یعنی دزدی دسته جمعی تعدادی از مقامات و نورچشمی ها، با پول معادن و جنگل ها و کارخانه ها و زمینها و اتوموبیل هائی که آیت اله طبسی و امامی کاشانی و ریشهری و ناطق نوری، رفیق دوست و عسگر اولادی، حسین دین پرور و حجت الاسلام معزی (معاون رئیس دفتر خامنه ای)، حجت الاسلام علی فلاحیان وزیر سابق اطلاعات و آیت اله علم الهدی امام جمعه مشهد، ناطق نوری، آیت اله حائری شیرازی بالا کشیده اند، میشد طب و آموزش و پرورش و آب و برق و گاز و وسائل نقلیه عمومی را با کیفیت عالی برای همه مردم رایگان کرد و میلیونها مسکن مناسب برای مردم بی مسکن تهیه کرد.

و این نه آمار کامل همه دزدی های آیت اله ها و نه لیست کامل همه سارقین است. آمار سی سال دزدی توسط مقامات حکومت اسلام و آیت اله ها و وزرا و قضات و فرماندهان و سرداران و روسای شکنجه گاهها سر به فلک میزند و صدها بار از ارقامی که اخیرا توسط خودشان رو شده بیشتر است. همین چند سال قبل پرونده شهرام جزایری را زنده به گور کردند چون دست تعدادی از آقازاده ها و آیت اله ها و مقامات بلندپایه حکومت رو میشد. بخشی از ارقام چپاول هائی که از آن پرونده بیرون زد واقعا نجومی بود. به اینها بنیاد مستضعفان و جهاد و سرمایه های سپاه را هم اضافه کنید. اموال امامزاده ها مثل آستان قدس و غیره را هم در نظر بگیرید. آیا باز هم مخالفین کمونیست ها، از دولت تا

سرمایه داران و احزاب و رسانه هایشان، میتوانند ادعا کنند که برای طب رایگان و آموزش و پرورش رایگان و آب و برق و گاز رایگان و بیمه بیکاری به همه افراد بیکار و غیره منابع کافی وجود ندارد؟

البته هزینه های به مراتب بزرگتری هست که هیچکدام از باندهای حکومت به آن اشاره نمی کنند چون برای حفظ این سیستم که به همه آنها امکان این مداخل را میدهد حیاتی است. حساب کنید چه مبلغی از طریق وزارت اطلاعات و سپاه و بسیج و لباس شخصی ها و نیروهای انتظامی و حراست و سربازان امام زمان صرف میشود تا حکومت اسلام و این بساط لفت و لیس سر پا بماند، تا کارگر و معلم و دانشجوتی که علیه این وضعیت اعتصاب کرده را سرکوب کنند، دستگیر کنند، شلاق بزنند و محاکمه کنند. حساب کنید چه پولهایی صرف سرکوب زنان و جوانان در خیابان ها و موسسات میشود. حساب کنید چه مبالغی صرف دم و دستگاہ مذهب و تروریسم و کمک به سازمانهای اسلامی در کشورهای دیگر میشود که باندهای حکومت هیچکدام به آن اشاره نمیکند.

و این ارقام گوشه ای کوچک از کل استثماری است که توسط کل طبقه سرمایه دار از گرده کارگر بیرون کشیده میشود. آیا هنوز هم سرمایه داران و احزابشان، امام جمعه ها و آیت اله هایشان میتوانند ادعا کنند که منابع کافی برای خوشبختی و رفاه همه مردم وجود ندارد؟ و این در حالی است که امکانات تولیدی توسط نظام کثیف سرمایه داری زنجیر شده و میلیونها نفر بیکار نگه داشته شده اند، میلیونها زن با تحمیل

هزار محدودیت خانه نشین شده اند، تعداد زیادی اوباش سرکوب بجای کار مفید مشغول کنترل و سرکوب اکثریت کارکن و زحمتکش جامعه اند، دهها هزار انگل و آیت اله و سرمایه دار و عمله و اکره آنها مشغول رتق و فتق سرمایه های خود و ولگردی هستند، بوروکراسی عریض و طولی که بخش هنگفتی از درآمدهای مملکت را به خود اختصاص میدهد و هدفش اساسا حفظ منافع طبقه حاکم و به بند کشیدن جامعه است. مشغول هدر دادن امکانات است. تعداد بسیار زیادی شغل و بنگاه تجاری و غیر تجاری که نفعی به تولید و رفاه و تعالی فیزیکی و معنوی جامعه نمیرسانند و صدها هزار و یا میلیونها شغل کاذب دیگر و در کنار همه اینها صنعت تن فروشی و پخش مواد مخدر گوشه های دیگری از نحوه سازمان دادن جامعه توسط نظام سرمایه داری و طبقه سرمایه دار است. در واقع این مجموعه عظیم یعنی بخش اعظم توان و امکانات بشر اینچنین توسط این نظام از کار مفید بازداشته شده و برعکس مشغول هززدادن و فرسوده کردن و درهم شکستن نیروی تولید است که در يك جامعه انسانی، در يك جامعه سوسیالیستی صرف ایجاد امکانات رفاهی برای همه میشود. جامعه واقعا چه امکانات عظیمی برای ساختن دارد. چه امکانات عظیمی برای ایجاد نعمات از غذا و پوشاک و مسکن، تا بهداشت و طب و آموزش و فیلم و موزیک و سرگرمی و تفریح و غیره دارد. امکاناتی که توسط نظام سرمایه داری و يك اقلیت کوچک به بند کشیده شده است و آن بخشی هم که تولید میشود به کیسه همان اقلیت ریخته

میشود. این اس و اساس جامعه سرمایه داری است. این عامل اصلی تیره روزی و فقر و محرومیت و محدودیت در جامعه سرمایه داری است.

آیت اله های میلیارد و دم و دستگاہ مذهب:

به وجه دیگری از مساله بپردازیم. توضیح المسائل ها و کتب دینی و حدیث و غیره را همین میلیاردرهای دزد و فاسد نوشته اند. قوانین اسلامی را همین ها وضع کرده اند. روی منبرها همین ها وعظ میکنند و مردم را از خشونت در این دنیا و عقوبت در آن دنیا میترسانند. همین ها اندر فواید حجاب و بیحقوقی زن و راجی میکنند. آیت اله علم الهدی امام جمعه مشهد اخیرا گفته است: "بهترین جایگاه و محل امن برای زن خانه است، چرا که زن موجودی آسیب پذیر است" و آیت اله دزد دیگری بنام صافی گلپایگانی میگوید: "تساوی زن و مرد بی پایه و اساس است و مقایسه زن و مرد اهانت به جامعه است" و تماشان زن را موجودی ناقص الخلقه، گناهکار، ابزار لذت مرد، و کشتزار مرد میدانند و بیحقوقی کاملی را بکمک برداران شلاق زن و اطلاعاتی و سربازان امام زمان بر آنها تحمیل کرده اند. همین ها در حالیکه میلیارد میلیارد از دسترنج کارگر میدزدند، مردم را به قناعت و صرفه جوئی دعوت میکنند. همینها اعتراض به وضع موجود را تحت عنوان "ناشکری" گناه میدانند و به مردم فقیر و زحمتکش فراخوان صبر و شکیبائی و وعده سر خرمن در

داری را که عامل اصلی همه این کثافت کاریها و وضعیت فلاکت بار اکثریت عظیم مردم است، ریشه کن کند. این تنها راه و تضمین واقعی پایان دادن به این جهنم کثیف اسلامی سرمایه داری است. باید به این حزب پیوست و این حزب را بعنوان رهبر انقلاب، حزبی که آرمانهای شریف و انسانی مردم را نمایندگی میکند، حزبی که حرف دل مردم را میزند و از منافع زمینی آنها دفاع میکند، و بعنوان رهبر بزیر کشیدن این حکومت و محاکمه سران دزد و جنایتکار آن انتخاب کرد. نه تنها برای ایجاد یک جامعه انسانی به این حزب سیاسی احتیاج داریم، بلکه همچنین برای شکل دادن به یک انقلاب برای در هم پیچیدن بساط این حکومت ضدبشری به آن نیاز حیاتی داریم. باید این حزب را انتخاب کرد و دوست و فامیل و همسایه و همکار را هم به پیوستن به آن تشویق کرد. این تنها راه پایان دادن به کل این بساط استثمار و دزدی و فساد و تحمیق و جنایت و دکان مذهب است.*

مردم، است و کاملاً عملی است. راه آن جمع کردن بساط چپاول این اقلیت مفتخور، به گور سپردن کل نظام نکبت سرمایه داری، و پی ریزی یک نظام سوسیالیستی است که دست همه این اراذل و اوباش را از زندگی مردم کوتاه کند. بوی گند بساط ضدبشری و حکومت اسلام، حکومت نمایندگان خدا، حکومت آیت اله ها و آیات عظام، حکومت اسلامی طبقه سرمایه دار از همه جا بلند شده است. این بحران لاعلاج حکومت است و باید با انقلاب مردم به گور سپرده شود. باید سرنگونشان کرد و اموال سران حکومت و کل این دزدان را، کارخانه ها و مزارع شان را مصادره کرد و کنترل تولید و توزیع را، شوراهای واقعی کارگران و مردم بدست بگیرند. راهش پیوستن به حزب کمونیست کارگری است که سالهای سال است این حقایق را گفته است، و برای آن جنگیده است. راهش انتخاب حزب کمونیست کارگری است که همراه با مردم دست به ریشه برد و نظام بردگی مزدی و سرمایه

کردن این اوضاع وارونه، و ساختن جامعه ای انسانی روی همین کره ارض، همین خرافات مذهبی است که آیت اله های دزد و میلیاردر و اقلیت مفتخور مثل سم در جامعه پخش کرده اند. باید این سم را از مغز خود بیرون بریزیم. لایه های گرد و خاکی که روی انسانیت ما پاشیده اند را پاک کنیم، انواع شکافها و رقابتهای تفرقه ها را که با همین تفکرات ضدانسانی به اسم مذهب و خاک و وطن و قوم و جنسیت در میان ما رواج داده اند را از میان برداریم تا انسانیت ما، نودوستی ما، اتحاد عمیق ما و اعتماد بنفس و قدرت اراده ما، یعنی نیروی عظیم ما به میدان آید، و بساط چپاولگران و سرمایه داران را در هم بپیچد.

ساختن یک جامعه انسانی، روی همین کره زمین شدنی است. رفاه برای همگان ممکن است. داشتن مسکن مناسب، تغذیه و پوشاک مناسب، امکانات رایگان درمان و بهداشت، آنهم در بالاترین استانداردها، تفریح و لذت بردن از این زندگی حق مردم، همه

بالاترین رده از آیات عظام و مراجع تقلید و امام جمعه ها و قدیسیان با ریش و بی ریش، آنهم با اسم و رسم و با ارقام مشخص، به مردم نشان داد که پشت بساط مذهب، چه درجه از کشفکاری، چه درجه جنایتکاری، چه درجه فساد و عفونت و چه درجه افکار پلید و ضد بشری خوابیده است. این مساله باید به مردم کمک کند تا به آنچه اینها به زور تبلیغات ۲۴ ساعته از رسانه ها و منبرها و مناسبت های مختلف در مغز مردم کرده اند، پی ببرند و آنها را به دور بریزند.

متاسفانه کم نیستند انسانهای زحمتکشی که مزخرفات همین دزدان میلیاردر نسبت به زن را باور کرده اند و هنوز هم رفتار غیرانسانی با همسر و دختر خود دارند، کم نیستند زنانی که اینقدر از زبان آخوندها و روضه خوانها و امام جمعه ها از اینکه زن معصیت کار است، عامل گناه است، و در آن دنیا سوزانده میشود شنیده اند که خودشان هم به این لاطانات باور کرده اند، کم نیستند انسانهای زحمتکشی که اراجیف این اوباش را علیه معتقدین به این مذهب و آن مذهب باور کرده اند و بجای رفاقت و همبستگی از هم نفرت پیدا کرده اند، کم نیستند مردم زحمتکشی که در اوج استیصال و فقر و ناامیدی بجای مبارزه علیه این بساط چپاول آیت اله ها و حجت الاسلام ها، به دعاخوانی و عجز و لایه و در انتظار ظهور امام زمان نشسته اند، کم نیستند مردم کارگر و زحمتکشی که بخاطر همین مزخرفات، با شک و تردید به کمونیسم، یعنی راه رهایی واقعی مردم از شر این نظام، نگاه میکنند، به نیروی خودشان باور ندارند و فکر میکنند دنیا همیشه همین بوده و همین هم خواهد ماند. رو شدن گوشه کوچکی از دزدی ها و فساد سران حکومت اسلام باید چشم همه را باز کند تا این مزخرفات را از فکر و ذهن و رفتار خود بیرون بریزند.

یک مانع بزرگ برای زیر و رو

آخرت میدهند. همین شیخ پشم الدین صافی گلپایگانی میگوید: "مسلمان واقعی در برابر حکم خدا تسلیم بوده و هرگز به آن اعتراض نمی کند بلکه از دل و جان آنرا می پذیرد". همینها مردم را از برابری و کمونیسم و کمونیستها میترسانند و کمونیسم را برای مملکت، در واقع برای جیب خودشان، مضر میدانند. و همینها هستند که صدها هزار کارگر معترض و کمونیست ها و مخالفین خود را سر به نیست کردند تا بساط چپاولشان سر پا بماند.

ما بارها گفته ایم که مذهب دکان بزرگی است که به عده ای سودهای کلان میسراند. بارها گفته ایم مذهب از منافع زمینی یک اقلیت دفاع میکند و سالانه میلیاردها خرج بقای آن میشود. مذهب یک سلسله اعتقادات به جن و پری و شیطان و خر دجال و صحرای کربلا نیست، یک صنعت سودآور و یک تجارت قدرتمند است که با کمپانی های بزرگ بین المللی رقابت میکند و سودهای هنگفت به جیب عده ای میسراند. دستگاه انقیاد مردم است. صنعت خرافه پرانگی، ارعاب مردم و تسلیم مردم به نظام طبقاتی و استثمارگرانه حاکم است. بیخود نیست که اگر بو بکشند کسی به ماهیت مذهب پی برده و از آن روی برگردانده، او را تکفیر میکنند و اگر دستشان برسد میسوزانند.

افشای دزدی های میلیاردری و سوء استفاده های کلان آیت اله ها، به مردم بیشتری اجازه میدهد که از این دریچه، بی اعتباری مذهب و قوانین مذهبی و کل این عمارت جهل و تحمیق و جنایت را ببینند و از آن فاصله بگیرند. سی سال حکومت یک مشت دزد و جنایتکار، چشم عده زیادی از مردم را باز کرده بود و میلیونها نفر را از مذهب و آخوند و سنت های مذهبی فراری داده بود، اما رو شدن دزدی بالاترین رده از مقامات حکومت اسلام و

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ - پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ - FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

میلیاردهای یک شبه و جنگ قدرت در بالای حکومت

کاظم نیکخواه

مجلس شده است، میتوان مطمئن بود که این افشاگریهایی نیز باعث میشود که نامهای دیگری از شبکه مافیائی حاشیه حکومت افشا شود.

برای کارگران و مردم ایران تنها راه دست یافتن به حداقل نان و معیشت و رفاه اینست که غارتگران حاکم را به زیر بکشند و ثروتهای عمومی را از چنگال آنها خارج نمایند. فقط با پولهای دزدیده شده توسط شبکه های دزدی و چپاول خانواده خامنه ای و سپاه میتوان درمان و آموزش را رایگان کرد و به بسیاری از معضلات رفاهی مردم پاسخ داد.*

حکومت اینست که مانع این شوند که ماجرای رضا ضراب و انتقال میلیاردها دلار پول از ایران به ترکیه و دوی و روسیه دامن سران حکومت را بگیرد و در مورد آن سکوت اختیار کرده اند. ولی با بالا گرفتن کشاکش بر سر مساله اتمی بین مجلس و دولت روحانی و بخشهای مختلف سپاه، که باعث احضار دوسوم وزرای کابینه روحانی به

بسیار شدید در راس حکومت اسلامی جریان دارد که گاه بیرون میزند و گاه پوشیده تر پیش میرود. گزارشها گویای اینست که بابک زنجانی با سران سپاه پاسداران مرتبط است و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی علیرغم مخالفت سپاه دست به دستگیری بابک زنجانی زده است. بهررو فعلا تلاش سران

میلیاردر نیز در حاشیه حکومت وجود دارند که هنوز برای عموم شناخته شده نیستند.

وقتی ابعاد این دزدیها و در واقع چپاول های عظیم رو میشود، سران حکومت و مشخصا خامنه ای تلاش میکنند نشان دهند که دزدیها به یک شخص معین محدود میشود و یک نرم و عرف معمول در بالای حکومت نیست. اما اگر همه آنچه را که همین چند ماه اخیر رو شده است کسی کنار هم بگذارد متوجه میشود که غارت در واقع سنت جا افتاده ای در درون باندهای بالای حکومت است و جمهوری اسلامی را شاید بتوان غارتگر ترین حکومت تاریخ نام گذاشت. ابعاد دزدیها همچنان گسترده است که چندی پیش دولت روحانی کمیسیونی بنام "کمیسیون غارت ملی" را اعلام کرد. یعنی خودشان هم شرم دارند که نام دزدیهای در این ابعاد را "دزدی" بگذارند و آنرا "غارت ملی" مینامند!

همانگونه که اشاره شد غالباً این جنگ قدرت و ثروت در بالای حکومت است که این دزدیهای مافیائی را به صدر اخبار می آورد. اکنون اخباری منتشر شده است که گویای اینست که حتی باند رضا ضراب - زنجانی نیز از طریق خود باندهای حکومت اسلامی به پلیس ترکیه معرفی شده اند و بعد پلیس با زیر نظر گرفتن آنها به سرنخهای بسیاری دست یافته است. و این باعث یک بحران سیاسی عظیم در ترکیه شده است. اینکه داستان لو دادن دزدهای بالای حکومت به پلیس ترکیه از این طریق درست باشد یا نه معلوم نیست اما با توجه به جنگ شدید قدرت و ثروت در ایران محتمل بنظر میرسد. یک چیز که روشن و قطعی است اینست که یک نزاع گسترده و

سرزبانها افتاد. افشای نام این میلیاردرهای کم سن و سالی که چند شبهه به ثروتهای عظیم دست یافته اند، مستقیماً به جنگ قدرت و ثروت درون حکومت مربوط است. دزدیهای اینها معمولاً از طریق شبکه داخلی حکومت افشا میشود و بعد نامشان سرزبانها می افتد و موجی از اعتراض و خشم علیه حکومت را دامن میزند و به فشاری سنگین به کل حکومت تبدیل میشود. نهایتاً دستگاههای حکومتی ناچار میشوند با دستگیری آنها از نظر خودشان قائله را بخوابانند.

اما آنچه در پس این نامها بیشتر روشن میشود اینست که حکومت اسلامی بطور واقعی یک حکومت چپاول و غارت است. ثروت اندوزی و سرمایه دار شدن شبکه حاشیه حکومت و به اصطلاح "آقازاده ها" از طریق متعارف سرمایه داری یعنی راه انداختن کارخانه ها و شرکتها و استثمار شدید کارگران انجام نمیشود. (که آنهم البته دزدی ولی به شیوه "قانونی" و بر اساس سیستم سرمایه داری است) بلکه اینها عمدتاً ثروتهای عظیم خود را از طریق دزدی و بالا کشیدن خزانه دولت و ثروتهای عمومی بدست می آورند و بعد دست به احداث کارخانه و شرکت میزنند. حتی بسیاری از شرکتهای اینها نیز از طریق زور و قدرت بدست آمده است. اینها معمولاً واسطه ای هستند برای دزدیها و پولشویی های آیت الله ها و سران بالای حکومت. این سه نفر دقیقاً از این طریق میلیاردر شده اند، یعنی با واسطه گری و غارت و دزدی های عظیم و به اصطلاح رانت خواری در ارتباط با سران بالای حکومت. و قطعاً شمار بسیار بیشتری از این نوع "آقازاده ها" و واسطه های

اعتراضات همیشه رژیم را وادار به عقب نشینی میکند!

لغو احکام اعدام دو نفر از اعتصاب کنندگان قزل حصار، دیدار مسئولین حکومت اسلامی با زندانیان اعتصابی

وخیمی بسر میبرند و احتیاج به درمان دارند. حامد احمدی و جمشید دهقانی و جهانگیر دهقانی و کمال ملای از ۵۷ روز قبل دست به اعتصاب غذا زده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند، به یاری زندانیان سیاسی و خانواده های آنها شتافته و با اعتراض به احکام اعدام این زندانیان کمک کنند جان همه آنها را نجات دهیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳۰ دسامبر ۲۰۱۳

حصار دیدار کرده اند. این دو نفر به زندانیان وعده و وعید داده و از آنان خواسته اند اعتصاب غذای خود را بشکنند. زندانیان گفته اند به وعده ها باور ندارند و بارها از این نوع وعده ها شنیده اند، آنها خواهان لغو احکام اعدام خود هستند و میخواهند در یک دادگاه علنی آنها را محاکمه کنند. مسئولین جمهوری اسلامی به این درخواست پاسخی نداده اند.

حامد احمدی و جمشید دهقانی بعد از نزدیک به ۶۰ روز اعتصاب غذا در وضعیت

طبق گفته وکلای دو تن از زندانیان اهل سنت به نامهای سید هادی حسینی و صدیق محمدی حکم اعدام آنها توسط دیوان عالی حکومت اسلامی نقض شده است و پرونده آنها به سنج باز گردانده شده است. این دو زندانی به مدت ۵۵ روز همراه با زندانیان دیگر در اعتصاب بودند که با نقض خوردن حکشان اعتصاب خود را شکستند.

امروز همچننین خبر رسیده که معاون سیاسی دادستان تهران (تورگ) و رییس دادرسی اوین با زندانیان اعتصابی قزل

اگر رفاه را حق تک تک شهروندان جامعه میدانید

اگر آزادی را بدون محدودیت و قید و شرط میخواهید

اگر توهین به زنان بر نمی تابید و زنان را هم ارز و برابر مردمان میخواهید

اگر تحصیل و در مان رایگان را حق همه کودکان و مردم میدانید

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

معضل "دین گریزی" در مدارس و بسیج لشکر حوزة علمیه

شهلا دانشفر

یک وظیفه مهم دولت روحانی، به آخر رساندن همه طرحهای ناتمام دولتهای قبلی است. یکی از این طرحهای خاک خورده، واگذاری مدارس دولتی به حوزه علمیه است. دانشان از "دین گریزی" در مدارس، "دین گریزی" در میان جوانان، "دین گریزی" در جامعه بلند شده است و می خواهند لشکر حوزة علمیه شان را راهی مدارس کنند. در همین راستا اخیراً تفاهم نامه ای بین آموزش و پرورش تهران و حوزه علمیه در تهران امضا شده است که حول و حوش آن سر و صدای زیادی به پا شده است. طرحی که به زمزمه های اعتراض در میان معلمان دامن زده است. تا جائیکه حتی تشکل "سازمان معلمان" که خود را نماینده معلمان میخواند ولی همیشه تلاش داشته مبارزات معلمان را بدنبال این یا آن جناح رژیم بکشد و در چهارچوب نظام محدود کند، نیز طی بیانیه ای خطاب به "دولت تدبیر و امید" خود، خواستار لغو این تفاهم نامه شده است.

خلاصه اینکه همه چیز حکایت از این دارد که کفگیر رژیم اسلامی به ته دیگ رسیده است و آخر و عاقبت تفاهم نامه بین آموزش و پرورش تهران و حوزه علمیه نیز همچون طرح های گذشته شان، چیزی جز ناکامی نخواهد بود.

این اولین بار نیست که بحث واگذاری برخی از مدارس به حوزه علمیه مطرح می شود. پنج سال پیش یعنی در سال ۸۸ نیز در وزارت آموزش و پرورش ستادی به نام "ستاد همکاری های وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه" ایجاد شد و این ستاد طرح استقرار دائمی روحانیون در مدارس را تهیه کرد. در آن سال بین وزیر آموزش و پرورش و مدیر حوزه علمیه قم تفاهم نامه ای از همین دست انجام

گرفت و بر اساس آن قرار بود ۴۲۰۰ واحد آموزشی در سطح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان برای ۵ سال در اختیار حوزه های علمیه قرار گیرند. برای اینکار هزار نفر از گله های آخوندشان را راهی مدارس کردند، کلی بودجه اختصاص دادند و غیره و عاقبت بعد از دو سال و نیم به گزارش روزنامه شرق تعداد این مدارس فقط به صد تا رسید و اکنون نیز در تهران تنها ۱۷ مدرسه این چنینی برجا مانده است که آنهم متعلق به خودی هایشان است.

موضوع را از زبان خودشان بشنویم. "مهران مجیدی نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش در رابطه با تفاهم نامه ای که بر اساس آن مدارس دولتی تحت پوشش این طرح به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل میشود در گفتگو با خبرگزاری دولتی تسنیم میگوید: "مدارس دولتی به مدرسه وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند و مدیریت حوزه با استقرار روحانی ثابت در این مدارس مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد داشت." او در ادامه توضیح میدهد: "در چارچوب احکام دینی و مقررات نظام جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت و نشر اندیشه تبعیت از ولایت فقیه، رعایت شئون و نهادینه سازی و ضابطه مند کردن تمام فعالیت ها از جمله سیاست های مدنظر است."

سپس بعد از بلند شدن سر و صداها بر سر این طرح ملکی دبیر ستاد همکاری های حوزه علمیه و آموزش و پرورش خیر وابسته بودن برخی مدارس به حوزه های علمیه را تکذیب میکنند و در توضیح تفاهم نامه ای که صورت گرفته میگوید: "همکاری مشترک

برای راه اندازی و توسعه مدارس "امین" وابسته به حوزه علمیه، موضوع تفاهم نامه ای است که به امضای حوزه علمیه برادران استان تهران و اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران رسیده است. بر اساس این تفاهم نامه با انتخاب حوزه علمیه و توافق اداره کل آموزش و پرورش، برخی مدارس دولتی به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند، و قرار است هر سال به شمار این مدارس افزوده شود. سپس رسانه ها سراغ کارشناسان مسائل آموزشی جمهوری اسلامی میروند که گفته هایشان شنیدنی است. از جمله "یک کارشناس مسائل آموزشی در ایران در گفتگو با "روز" دلیل عزم جدی حوزه را اینطور تحلیل می کند: "هم حوزه های علمیه و هم طیف های تندروی حاکمیت از خروجی آموزش و پرورش راضی نیستند و در واقع به دنبال این هستند که دانش آموزان را به سمتی که مطلوب حاکمیت است هدایت کنند." وی در ادامه سخنانش بر این اشاره دارد که به اعتقاد وی حاکمیت با تدوین سند ملی آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و با همکاری حوزه های علمیه قصد دارد دین گریزی، نگاه منفی دانش آموزان به حاکمیت و ... را ترمیم کند.

کارشناس اسلامی دیگری در گفتگو با "روز" میگوید: "باید بگویم چنین طرح هایی تا به حال موفق نبوده، چون در طی این هشت سال فقط توانسته اند ۱۰۰ مدرسه حوزوی تاسیس کنند؛ مدرسه هایی که برنامه ریزی فرهنگی به عهده پیمانکارهایی از حوزه است و در حاشیه هم برنامه رسمی آموزش و پرورش تدریس می شود." سپس در پاسخ به این سؤال که این مدارس تا چه اندازه

با استقبال مردم مواجه می شوند، می گوید: "بستگی به این دارد که آیا هنوز در میان مردم اعتمادی به این قشر وجود دارد یا خیر. الان تنوع مدارس به حدی شده که کسی در کلانشهرها مجبور نیست به فلان مدرسه یا مدرسه ای خاص برود اما اگر خانواده ای به این قشر اعتماد داشته باشند فرزندانشان را به این مدارس می فرستند." او معتقد است: "استقبال از این مدارس در کلانشهرها بعید به نظر می رسد. در حال حاضر ۱۰۰ مدرسه وابسته به حوزه در کشور وجود دارد که سهم کم تهران فرضیه نا موفق بودن در کلان شهر ها را ثابت می کند، چرا که در تهران تنها ۱۷ مدرسه وابسته به حوزه وجود دارد."

جواد بهشتی، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور قرآنی، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت!!! نیز در گفتگویی چنین میگوید: "دانش آموزی که پس از ۱۲ سال از مدرسه فارغ التحصیل می شود دارای خروجی مناسبی از لحاظ دانش، بینش و انگیزش دینی نیست."

تا همین جا کاملاً روشن است که بحث بر سر پیست و ناکامی و استیصالشان را میتوان دید. در میان این هیاهو "سازمان معلمان ایران" نیز به صدا در آمده و پس از هزار جور صغری کبری چیدن و ضمن تاکید بر اصل ارتباط و تعامل سازمانی!!! و غیره در همراهی با درد دولت بر سر مشکل "تربیت دینی" لب سخن اینست که وابسته کردن آموزش و پرورش به حوزه علمیه راه حل این مشکل نیست. سپس ضمن خواست لغو این تفاهم نامه انتظارش از مسئولان وزارت آموزش و پرورش اینست که در جهت برنامه های دولت "تدبیر و امید" حرکت کنند.

پاسخ معلمان و مردم به طرح های ارتجاعی دولت

روشن است که معلمان و مردم جامعه به چنین طرحهای ارتجاعی تن نمیدهند. در دستور قرار گرفتن طرحهایی از این دست نیز اساسش نشان استیصال و درماندگی رژیم اسلامی در مقابل جامعه ایست که زیر پا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی یک عرصه دائمی نبرد آنها با حکومت است. از جمله در آغاز سال تحصیلی جاری بود که دست به کار نصب دوربین های مدار بسته در مدارس دخترانه شدند، چون در مدارس نیز حجاب ها کنار رفته است. همان هنگام گفتند که خانواده ها عامل "دین گریزی" دانش آموزان هستند و با گفته هایی از این دست هر روزه دارند به شکستشان اذعان میکنند. خلاصه کلام اینکه رژیم اسلامی در اوج استیصالش به هر در میزند. بر ماشین سرکوب و اعدامش شدت میدهد. فضا را در هر کجا که بتواند امنیتی میکند و غیره. باید جلوی تهاجمات رژیم اسلامی را با تعرض داد. باید جلوی طرحهای ارتجاعی اسلامی اش و اعزام گله های آخوند به مدارس ایستاد. باید رسا تر از هر وقت خواستار یک آموزش و پرورش مدرن و انسانی و مطابق با استانداردهای امروز بشری شد. باید اعلام کرد که مذهب باید از آموزش و پرورش جدا باشد و اینها همه را به سر تیرهای مهم قطعنامه ها و بیانیه های خود تبدیل کرد. در این میان نیز معلمان و جمعیت میلیونی مردمی که فرزندانشان در مدارس درس میخوانند، وظیفه و نقش اصلی را دارند. باید اعتراض علیه چنین طرحهایی با کارزاری گسترده و سراسری در همه شهرها پاسخ گیرد. معلمان در مدارس میتوانند با اولتیماتوم دادن به اعتراضی سراسری در مقابل تعرضاتی این چنین بایستند و در عین حال نهادهایی چون "سازمان معلمان" را که همواره تلاششان به بیعت کشیدن معلمان با این دولت و آن دولت بوده از سر راه مبارزه خود کنار زنند.*

جمهوری اسلامی و رقابت نابرابر تورم و دستمزدها

بهورز مهرآبادی

محروریت خود و کودکشانشان از دارو و درمان، با ترک تحصیل فرزندانیشان بخاطر فقر و نداری، با بی خانمانی و با فلاکت و ادباری که به آن دچار هستند، می‌سنجند.

براحتی می‌توان پیش بینی کرد که نرخ تورم در سال آینده هم پائین نمی‌آید. باقر نوبخت سخنگوی دولت در چهارشنبه گذشته وعده کاهش ۲۵ درصدی تورم داد. یعنی حتی اگر این وعده محال عملی شود، در سال آینده افزایش عمومی قیمت‌ها ۲۷ درصد و افزایش قیمت مواد غذایی ۴۱ درصد خواهد بود. حتی باقر نوبخت هم می‌داند که میزان واقعی تورم و افزایش قیمت‌ها بسیار بالاتر از این پیش بینی خواهد بود. اما وی در سخنان خود وعده افزایش حقوق کارمندان به میزان ۱۸ درصد را داد.

یعنی وقیحانه و رسماً اعلام نمود که در سال آینده کارمندان دولت بسیار فقیرتر خواهند شد. نوبخت همچنین وعده داد که "دستگاه‌های دولتی می‌توانند علاوه بر افزایش سنواتی حقوق کارمندان خود که از سوی دولت انجام میشود اگر در دستگاه خود صرفه جویی و بهره‌وری داشته

باشند، نتایج حاصل از این صرفه جویی و بهره‌وری را در راستای افزایش حقوق کارمندان خود به کار بگیرند." معنی عملی این حرف یعنی افزایش فشار کار به کارمندان، بی‌کار سازی بیشتر و ارائه خدمات محدود تر به مردم است تا به ازای آن شاید مبلغ ناچیزی به حقوق کارمندان اضافه شود.

حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده هنوز اعلام نشده است. اعلام رقم ۱۸ درصد برای افزایش حقوق کارمندان نشان می‌دهد که دولت بعنوان نماینده سرمایه داران و کارفرمایان تلاش می‌کند تا جایی که بتواند دستمزد ها را بالا نبرد. میزان دستمزد فعلی کارگران چندین برابر زیر خط فقر است. کارگران پتروشیمی سبازان و خوارزمی کرده اند که خواهان حداقل دستمزد دو میلیون تومان هستند و اتحادیه آزاد کارگران ایران هم از این خواست پشتیبانی کرد. همانطور که کارگران می‌گویند این اولین قدم است و به این رقم نباید رضایت داد. همین الان یک خانواده برای یک زندگی بخور و نمیر حداقل به ۴ تا ۵ میلیون تومان

در ماه نیاز دارد. در حالی که دست سرمایه داران و دولت آنها برای بالا بردن قیمت‌ها باز است و نرخ‌ها را هر روز بالا می‌برند، کارگران و سایر حقوق بگیران باید یک سال منتظر بمانند تا برای بالا بردن چندرعاز حقوق خود با دولت و عوامل آن مبارزه کنند. اگر حداقل دستمزد در فرودین ماه دو میلیون تومان باشد و خوشبینانه نرخ تورم در سال آینده را ۴۰ درصد در نظر بگیریم، در آنصورت بایستی هر ماه ۷۰ هزار تومان به دستمزدها افزوده شود تا بخشی از افزایش قیمت‌ها را جبران کند. در جمهوری اسلامی و با در نظر گرفتن نرخ بالای تورم مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد، امری همیشگی و هر روزه است و میتواند موضوع هر اعتراض و حرکت کارگران باشد.

تورم یک پدیده ذاتی سرمایه داری است. حتی در کشورهایی که سیستم سرمایه داری از ثبات و رونق برخوردار است، قادر به جلوگیری از افزایش قیمت‌ها نیستند. در این کشورها هم تورم همواره بعنوان یک مکانیزم همیشگی فقیر سازی

کارگران و حقوق بگیران عمل می‌کند. میزان افزایش دستمزدها هیچگاه قابل رقابت با افزایش قیمت‌ها نیست و از اینرو حتی در پر رونق ترین نظام های سرمایه داری، فقر نسبی کارگران و شکاف طبقاتی همواره در حال افزایش است. بقول مارکس "نیروی کار" تنها کالایی است که سرمایه داران هیچگونه تمایلی به افزایش قیمت آن ندارند.

یک ادعای همیشگی نمایندگان سرمایه داران و از جمله مقامات جمهوری اسلامی این است که بالا رفتن دستمزدها موجب تورم بیشتر می‌شود. آنها پیش‌زمانه بالا رفتن قیمت‌ها کالا را ندیده می‌گیرند و فقط بالا رفتن دستمزد ها یعنی قیمت نیروی کار را موجب تورم اعلام می‌کنند. معلوم نیست چرا بالا رفتن بودجه نهادهای سرکوب رژیم، حقوق دست اندرکاران و مزدوران رژیم، ثروت های نجومی سرمایه داران، دزدی های کلان باندهای حکومتی، بالا رفتن مواد سوختی که در انحصار دولت است، بالا رفتن قیمت زمین و ساختمان و هزاران کالاهای دیگر که در اختیار سرمایه داران و دولت آنها است، تاثیری در ایجاد تورم ندارد ولی بالا رفتن حقوق ناچیز کارگران و کارمندان، تورم را بالا می‌برد؟

حتی اگر در موردی بسیار استثنائی میزان تورم یک سال صفر شود، به معنی این نیست که وضع

کارگران و حقوق بگیران بهتر شده است بلکه آن سال میزان فقر کارگران ثابت مانده و تغییری نکرده است. این خصلت عمومی سرمایه داری در جمهوری اسلامی همراه با غارت و چپاول رسمی سردمداران نظام، دهها برابر بیشتر کارگران را مورد تهاجم قرار می‌دهد. در ایران با نیروی کار دهها میلیون کارگر و سایر حقوق بگیران و با منابع سرشار طبیعی یک غنیمت جنگی است که به چنگ اوپاش عصر حجر افتاده است. ارقام هزاران میلیاردی افشا شده از دزدی ها گوشه ای از چپاولگری آنها را نشان می‌دهد.

ادعای باقر نوبخت در مورد مهار نرخ تورم هم به معنی این است که فقر و فلاکت باز هم بیشتر خواهد شد، استثمار کارگران شدید تر خواهد شد و زندگی افراد بیشتری به زیر خط فقر سقوط خواهد کرد. این صحبت‌ها را باید در کنار اخبار مربوط به دزدی‌ها در تامین اجتماعی، وزارت نفت و سایر موسسات مالی گذاشت. جمهوری اسلامی چیزی بیشتر از این نمی‌خواهد و نمی‌تواند به مردم بدهد، این را در ۳۵ سال حکومت خود نشان داده است. ادامه این حکومت و ادامه نظام سرمایه داری در ایران چیزی جز بدبختی و فقر و فلاکت بیشتر برای مردم در بر نخواهد داشت. برانداختن این حکومت و این نظام تنها ضامن آسایش، آزادی و آسودگی مردم ایران است.*

از نقطه نقطه این کشتارگاه خون میچکد!

دردنامه یک زندانی سیاسی از زندان تبریز

از زندانی ترین زندان دنیا مینویسم، زندان تبریز، تنها زندانی که در آن هیچ حقوق بشری حاکم نیست. و سربازان و مزدورانش با پوتین های آهنین قلب برادران و خوهانشان را که قربانی نا عدالتی رهبران و نابرابریهای اجتماعی گشته اند، لگد مال میکنند و زمین خشک را با قطرات خونشان سیراب میسازند. ای کاش چه گوارا، لنین، گاندی و هزاران آزادیخواه دیگر در اینجا حضور داشتند و مشاهده میکردند که دشمنان وطن چه ظلمی بر فرزندانشان روا میدارند، چگونه کودکان و زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، و چگونه صدها تن اعدام شده و زیر شکنجه جان خود را از دست میدهند. یاد محمد زمرگر جوان ۲۶ ساله ای که به جرم روزه خواری آنقدر شکنجه شد که جان خود را از دست داد و انگ باز شدن بسته مواد در داخل شکم به او زده شد، پرونده تشکیل شد ولی مزدوران قاتل آن جوان بدون هیچ محابایی همچنان به این جنایات ادامه میدهند و

بیش از یکسال و نیم است که بجرم قتل عمد فقط در شعبه ۶ بازپرسی به مبلغ ناچیزی قرار وثیقه این مزدوران بسر میبرند ای کاش همه جهانیان میدانستند یک زن چگونه به جرم زنا محصنه اعدام شده و حکم سنگسار برایش صادر میشود ولی آنی که جوانان وطن را بخاک و خون میکشد، در هیچ دادگاهی محاکمه نمیشود.

ای کاش فریود زنده بود و تک تک زندانیان را مورد معاینه قرار میداد و به جهانیان میگفت چه بسترهایی برای رشد انسانیت لازم است و چه شرایطی میتواند یک انسان شریف را به قاتل و یک قاتل را تبدیل به یک انسان منزه کند، ای کاش میدانستند شاهرخ زمانی، جاوید هوتن کیان، اسماعیل فتاحی و ... و ... به جرم افشای اسرار این جهنم و کشتارگاه رژیم دیکتاتوری چه زحری در این زندان کشیده اند. ای کاش این زندان تبدیل به موزه شکنجه میشد و تاریخ و فقط در

اوراق تاریخ و اذهان این جنایات میماند و دیگر ادامه نداشت. چه بگویم! از سکینه محمدی آشتیانی بگویم، زهرا پورساعی، علی ساعی، محمد زمرگر و ... بد نیست کمی به عقب برگردیم به دهه اول انقلاب جنایات و کشتاری که رژیم در این زندان انجام داده موسوی تبریزی، گوزلی، رسول چگان و یزدانی رییس زندان و ... و مزدوران دیگری که به خاک و خون کشیده اند در این زندان انسانهای پاک و منزه و دخترانی که فقط به خاطر یک برگ نشریه کار تیرباران شدند، آری پندار احمقانه ای که اگر باکره باشند بعد از مرگ به بهشت میروند و این جنایتکاران دست به ... زده اند.

آری از نقطه نقطه این کشتارگاه خون می چکد و امروز نیز با اعدام و ... این جنایات ادامه دارد. ای کاش ما هم در زمان خود یک حیدرخان داشتیم تا از بناها و قاطر فروشان وطن هزاران ستارخان و باقر خان‌ها ساخته تا این اسطوره‌ها قلب آهنین دشمنان وطن را دریده و شرایط نو بنا کنند تا همه بتوانند چون انسانی پاک در شرایطی برابر به حیات خود ادامه دهند، ای کاش ...

بامداد از زندان تبریز باز تکثیر کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰۱۴.۰۱.۰۳

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هرمقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

به یاری زلزله زدگان استان هرمزگان بشتابید! مقامات حکومت دروغ میگویند.

جریان زلزله بم و آذربایجان در همان زمان منتشر شد. مردم در سراسر کشور و بویژه مردم هرمزگان باید به حرکت درآیند و ضمن کمک فوری به زلزله زدگان، حکومت را برای کمک به مردم تحت فشار قرار دهند. مقامات میگویند ۱۲۰ چادر از ۲۵۰۰ چادر مورد نیاز در اختیار زلزله زدگان قرار داده شده است و با توجه به هوای سرد و بارانی تنها با کمک رسانی وسیع توده ای میتوان زلزله زدگان را از تلفات ناشی از سرما و بیماری نجات داد.

مردم ایران، مردم شریف هرمزگان!

به مقامات و رسانه های رژیم مطلقا اعتماد نکنید. همه آنها دروغ میگویند. حتی سعی میکنند جلو کمک رسانی شما را بگیرند. اما توجه نکنید. در تمام شهرها و مناطق استان به هر شکل که میتوانید به یاری هموعان خود بشتابید. با

تشکیل گروههای امداد به یاری زلزله زدگان بروید. رساندن آب و غذا و پوشاک گرم، لوازم بهداشتی و سایر مایحتاج زندگی به زلزله زدگان و پناه دادن به آنها در خانه های شما، اطلاع رسانی از وضعیت زلزله زدگان و فوری تر از همه اینها کمک به خارج کردن مجروحین از زیر آوارها و رساندن کمک پزشکی به آنها از جمله کمک هائی است که آمار تلفات را پائین میآورد. با تمام قوا به یاری هموعانتان بشتابید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ دیماه ۱۳۹۲
۲ ژانویه ۲۰۱۴



رسانی خود، ابعاد واقعی تلفات و خسارات را به جامعه اعلام کنند.

تجربه بی سرپناه و بی تامين رها کردن مردم زلزله زده بم در کرمان و ورزقان در آذربایجان توسط این حکومت را بخوبی به یاد دارید. بیاد دارید که استاندار مرتجع کرمان مردم بم را تهدید کرد که در صورتی اعتراض مورد سرکوب قرار خواهند گرفت. مردم ورزقان را به یاد دارید که هنوز بعد از دو سال در چادر و کنکس زندگی میکنند. حتی گزارشهای متعددی از بالا کشیدن کمک های مردمی، توسط مزدوران و دست اندرکاران حکومت در

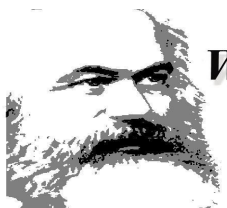
زلزله پنج و نیم ریشتری امروز در استان هرمزگان هزاران نفر از مردم بویژه در شهر بستک، کوه خرد و هرنگ را بیخانمان کرده است. اکثر خانه های خشتی و گلی فرو ریخته و خانه های دیگر هم ترک خورده و قابل سکونت نیست. مقامات حکومت از يك کشته و چند ده مجروح صحبت میکنند و ادعا میکنند که رسیدگی به زلزله زدگان به سرعت در حال انجام است اما مثل همیشه دروغ میگویند. آنها نه آمار واقعی تلفات را اعلام میکنند و نه کمک قابل توجهی به مردم میکنند. مردم باید با تمام قوا به یاری زلزله زدگان بشتابند و با اطلاع

انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org